

نقش و کارکرد عملیات روانی در جنگ ۲۰۰۳ با تاکید بر متقاعدسازی

قاسم حسنی * PhD

آدرس مکاتبه: * گروه پشتیبانی خدمات رزم، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران
hhassani40@yahoo.com

تاریخ اعلام قبولی مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ دریافت مقاله اصلاح شده: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

تاریخ اعلام وصول: ۱۳۸۷/۸/۳۰

چکیده

اهداف. پیروزی در جنگ مستلزم حمایت افکار عمومی است. هدف از انجام این پژوهش مشخص نمودن تاثیر عملیات روانی در مجاب سازی شهروندان ایالات متحده، دولت‌های منطقه، جهان و سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از جنگ و در نهایت منزوی کردن صدام و تخریب روحیه ارتش عراق است.

روش‌ها. در این پژوهش از دو روش "تحلیل محتوا" و "تحلیل روند" بهره گرفته شده است. سپس با استفاده از نمونه‌گیری هدف‌دار، پیام‌ها براساس توالی زمان از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۲۰ مارس ۲۰۰۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها. تاثیر عملیات روانی در متقاعدسازی افکار ملت آمریکا از سیر صعودی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که از ۳۱٪ در سال ۲۰۰۱ به ۷۵٪ در آستانه جنگ افزایش یافت. به دلیل القای ترس از صدام با اتهامات مختلف، وحدت کشورهای عربی از بین رفت و برخی از آنها و نیز برخی از کشورهای اروپایی به همکاری و همراهی با آمریکا مجاب شدند. سردرگمی حاصل از عملیات روانی، به دولت‌های فرانسه و روسیه اجازه دخالت و ممانعت از جنگ را نداد. شورای امنیت، قطع‌نامه ۱۴۴۱ را علیه عراق تصویب نمود که به گونه‌ای مجوز آغاز تهاجم بود. صدام در آستانه جنگ به‌طور کامل منزوی و روحیه ارتش عراق تخریب شد.

نتیجه‌گیری. عملیات روانی، به‌ویژه در حوزه متقاعدسازی - تاثیر بسیار ژرفی دارد. به‌کارگیری واژگان مناسب در روند متقاعدسازی، برگرفته از دو مسیر عمده "مرکزی" و "پیرامونی" است.

کلیدواژه‌ها: عملیات روانی، متقاعدسازی، افکار عمومی، جنگ ۲۰۰۳

مقدمه

افکار کارشناسان مسایل بین‌المللی با پیروزی زودهنگام آمریکا در حمله به عراق، به چگونگی و عوامل موثر در آن معطوف شد. آنان در پی این برآمدند که علل موفقیت را کجا باید جست؟ در اینجا برآن نیستیم که به همه این عوامل پردازیم و تنها، نقش و کارکرد عملیات روانی در متقاعدسازی افکار عمومی و هم‌سویی آنان در پیشبرد و پیروزی در جنگ را بررسی می‌کنیم. کلاوزویتس، هم‌چون بسیاری از نظریه‌پردازان، جنگ را ابزاری می‌داند که می‌توان با آن در اراده دشمن دگرگونی ایجاد کرد. به باور وی، در زیرساخت جنگ نکته‌های چشمگیری برای پیروزی به چشم می‌خورد. روشن‌ترین آن‌ها بخش روانی جنگ است. وی هدف از جنگ را صرف انهدام فیزیکی نمی‌داند، بلکه هدف را "تغییر رفتار" معرفی می‌کند [۱]. به‌منظور تغییر رفتار جناح مقابل یا حتی افکار بی‌طرف، از دو مرحله‌ی "جنگ روانی" به عنوان ابزار مکمل برنامه نظامی استفاده شده است؛ نخست بهره‌گیری از ارتباطات رسانه‌ای و دوم متقاعدسازی جهانیان در نگرش و رفتار [۲]. آنچه که هیبلزگری، در چارچوب جنگ‌های "پست‌مدرن" مطرح ساخته، یادآور همین نکته است که "تهاجم بدون جنگ روانی معنا ندارد". آندره بوئر و لنین نیز که استراتژیست‌های گذشته به شمار می‌آیند نیز دارای چنین دیدگاهی بودند. از این رو طی جنگ ۲۰۰۳، تسخیر قلوب و اذهان به عنوان بستر موفقیت استراتژی نظامی ایالات متحده، مطرح شد [۳].

به باور بسیاری از اندیشمندان نظامی، در این جنگ، بهره‌گیری از عنصر روانی در حوزه متقاعدسازی بسیار بیشتر از جنگ‌های گذشته بود. ژنرالی آمریکایی که طراح عملیات جنگی بوده است در این باره صریحاً می‌گوید: "عملیات روانی در تمامی صحنه‌های این جنگ مهم‌ترین نقش را به‌جا گذاشت". جیمز بارکر، مدیر مرکز جاسوسی ارتش ایالات متحده می‌گوید: "توانایی واشنگتن در فتح قلوب و اذهان، فضای بسیار مناسبی برای پیشبرد عملیات نظامی فراهم کرده است به‌گونه‌ای که عملیات روانی، در مرکز ثقل اهداف راهبردی قرار داشت و مقدمه اصلی موفقیت استراتژی نظامی شد" [۴]. اصل متقاعدسازی جهانیان، یکی از کلیدواژه‌های حمله و البته پیروزی ایالات متحده بر صدام بود که بر پایه حمله خبری و رسانه‌ای از پیش از آغاز تا پایان جنگ استوار بود. شاید به همین دلیل است که آنتونی سوردزمن می‌گوید: "اگر اهمیت عملیات روانی در بُعد تبلیغات بیشتر از فتح سرزمین نباشد، کمتر از آن نیست" [۵].

از آنجایی که مشخصه عصر ارتباطات جمعی، تکیه بر متقاعدسازی همگانی است، برای آغاز عملیات نظامی و حصول پیروزی در آن مبالغه‌نگفتی برای متقاعدسازی هزینه می‌شود. ایوت آرونسون این سؤال را مطرح می‌سازد که "به‌هنگام مواجهه با استدلالی متقاعدکننده، آیا به ژرفای اندیشه خود فرو می‌رویم یا بی‌درنگ آن را

می‌پذیریم؟" بر اساس نظریه ریچارد پتی و کاتچویوو، اگر موضوع به ما مربوط و از نظر ما مهم باشد، تمایل داریم که درباره آن عمیقاً به تفکر پردازیم [۶]. به باور این دو، برای متقاعدسازی دو مسیر مرکزی و پیرامونی وجود دارد. مسیر مرکزی به استدلال‌های منسجمی متکی است که به واقعیت و عدد بستگی دارد و افراد را به فکر وامی‌دارد. مسیر پیرامونی، به جای تلاش در فعال ساختن فکر مخاطب، نشانه‌هایی را فراهم می‌سازد که پذیرش استدلال‌ها را بدون اندیشه ژرف، ترغیب کند.

برای متقاعدسازی کدام عوامل کلیدی می‌تواند تاثیر ارتباط با مخاطب را افزایش دهد؟ سه دسته متغیر حایز اهمیت؛ ۱- منابع ارتباط (کیستی ارائه‌دهنده پیام) ۲- ماهیت ارتباط (چگونگی ارائه پیام) ۳- ویژگی‌های مخاطبان (مخاطب پیام) هستند. ویژگی‌های منبع ارتباط شامل پذیرش، افزایش قابلیت اعتماد و جذابیت هستند. اما ویژگی‌های ماهیت پیام، توسل به منطقی در برابر توسل به هیجان، شواهد آماری مورد قبول عموم در برابر نمونه نسخ واحد، استدلال یک‌جانبه در برابر استدلال دوجانبه و بالاخره ترتیب عرضه مطالب هستند. ویژگی‌های مخاطبان شامل عزت‌نفس و تجربه پیشین مخاطبان است [۷]. ایوت معتقد است که تفکر آدمی همواره منطقی نیست بلکه ما آدمیان، به‌رغم توانایی تفکر دقیق و ظریف، در معرض بروز تحریفات و غرض‌ورزی‌های بسیاری در فرآیندهای فکری خویش هستیم [۶].

براساس دیدگاه ویت‌کوپ (Wittcop) و هینکلی (Hinckley) یافته‌های موسساتی هم‌چون گالوپ به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ مداخله نظامی آشکار ایالات متحده در تمامی بحران‌های خارجی و مخالفت با هرگونه مداخله نظامی [۸، ۹]. با این حال محققان دیگری هم‌چون هولستی (Holsti)، افکار عمومی مردم ایالات متحده آمریکا را به چهار طبقه تقسیم می‌کنند؛ انزواگرایان (که با هرگونه مداخله‌گری ایالات متحده مخالف هستند)، افراطیون (که خواهان مداخله در کشورهای مختلف هستند)، وطن‌گرایان مشارکتی (که معتقدند برای حل مسایل حیاتی باید از راه‌حل‌های سیاسی چندجانبه بهره گرفت و برخورد با زور مگر در مواردی معدود، ضرورتی ندارد) و نظامی‌گراها (که همانند گروه دوم اعتقاد دارند حل مشکلات جهانی را باید با نیروی نظامی پیگیری کرد). تنها تفاوت دسته آخر با افراطیون این است که معتقدند برای مداخله نظامی بایستی حمایت کشورهای هم‌پیمان جلب شود. به اعتقاد هولستی (Holsti)، ۷۰٪ شهروندان آمریکایی در دو گروه سوم و چهارم جای می‌گیرند و براساس نظرسنجی موسسه گالوپ، از سال ۱۹۴۰ تا ۲۰۰۱ این میزان کمتر از ۶٪ نبوده است. در این نظرسنجی از شهروندان ایالات متحده پرسیده شده بود که "آیا آمریکا باید در مسایل جهانی نقش فعالی ایفا کند یا خیر؟" حتی پیش از خروج سربازان ایالات متحده از ویتنام و پس از آن، تعداد افراد گروه‌های سوم و چهارم هرگز به کمتر

نتایج

تاثیر عملیات روانی، با تاکید بر متقاعدسازی افکار عمومی مردم ایالات متحده آمریکا، که در جدول ۱ و ۵ آمده نشانگر سیری صعودی است. در جدول ۱، میزان تمایل به شروع حمله طی سه ماه منجر به آغاز تهاجم، از ۵۴ به ۷۲٪ افزایش یافته است. جدول ۵، حمایت مردم ایالات متحده از حمله به عراق (بعد از سرنگونی طالبان تا روز شروع حمله) را نشان می‌دهد که از ۳۱ به ۷۵٪ افزایش یافته است. در جدول ۶، باور مردم ایالات متحده نسبت به همکاری صدام با القاعده به ۷۵٪ و حضور صدام در حادثه ۱۱ سپتامبر در ۳ نوامبر ۲۰۰۳ به ۷۰٪ رسیده است. تاثیر عملیات روانی در حوزه متقاعدسازی دولت‌های منطقه، جهان و سازمان‌های بین‌المللی برای شروع جنگ از سه تکنیک انسانیت‌زدایی، القای ترس و تهییج، بهره بیشتری گرفته است (جدول ۲). داده‌های جدول ۴، نشانگر القای ترس از صدام به‌خاطر همکاری با القاعده، وجود سلاح کشتار جمعی، امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای است که منجر به فروپاشی وحدت کشورهای عرب، همکاری و همراهی برخی از آنها با آمریکا و نیز همکاری مستقیم برخی کشورهای اروپایی گردید. این عملیات روانی توانست سردرگمی عمیقی را به کشورهای فرانسه و روسیه تحمیل کند، به طوری که علیرغم مخالفت با جنگ نتوانستند برای جلوگیری از آن اقدام کنند. در نهایت نیز با متقاعد کردن اژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، سازمان ملل و شورای امنیت نسبت به اتهامات وارده به صدام، قطع‌نامه ۱۴۴۱ علیه عراق تصویب و عملاً دستور یورش صادر گردید. در مورد تاثیر عملیات روانی در منزوی ساختن حکومت صدام و تخریب فروپاشی روحیه ارتش عراق، نتایج حاصل از جدول ۳ بیانگر این است که از پنج عامل موثر در این باره، عملیات روانی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. همچنین جدول ۴ و پیام‌های شبکه خبری و رسانه‌ها، بیانگر این است که در فرآیندی زمانی این تاثیر بسیار کارآمد بوده، چرا که هیچ حامی در داخل و خارج از عراق برای صدام باقی نگذاشته است.

جدول ۱) تاثیر عملیات روانی بر افکار عمومی مردم ایالات متحده آمریکا

میزان موافقت	۳ ماه پیش از حمله	۲۰ روز پیش از حمله	۱ روز پیش از تهاجم
موافق	۵۴٪	۶۸٪	۷۲٪
بی‌نظر	۳٪	۴٪	۳٪
مخالف	۴۳٪	۲۸٪	۲۵٪

از ۶۵٪ نرسید [۱۰]. رابرتس (Roberts) و دیگران حمایت بالای افکار عمومی ایالات متحده در مسایل جهانی را بیش از هر چیز به اثربخشی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، تبلیغات و عملیات روانی در حوزه متقاعدسازی توسط رسانه‌ها نسبت می‌دهند [۱۱، ۱۲].

باردس (Bardes) و اُلدنیک (Oldendick)، نظرات افکار عمومی و نخبگان را بر اساس اهداف چهارده‌گانه سیاست خارجی مقایسه کرده و تفاوت‌هایی را گزارش نمودند. با وجود برخی تفاوت‌ها، در مواردی مثل جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تامین انرژی مورد نیاز و دفاع از امنیت کشورهای متحد و هم‌پیمان هم‌سویی نسبی وجود دارد [۱۳].

از آنجایی که راهبرد عملیات روانی، به‌عنوان یکی از راه‌گشاهای استراتژی نظامی جنگ ۲۰۰۳، تاثیرات بسزایی در متقاعدسازی افکار عمومی مردم ایالات متحده آمریکا، دولت‌های منطقه و جهان و سازمان‌های بین‌المللی برای شروع جنگ بر ضد عراق داشت و موجب انزوای صدام و تخریب روحیه ارتش عراق شد، این مطالعه به تاثیر عملیات روانی در متقاعدسازی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا و تحلیل روند استفاده شد. تحلیل محتوا را می‌توان توصیف محتوای آشکار یک ارتباط به صورت عینی، منظم و کمی دانست که درک صحیح آن مستلزم درک معانی و مفاهیم کلیدی به صورت عینی و منظم و محتوای آشکار است. ملاک عینی بودن زمانی رعایت می‌شود که پژوهشگران مختلف در تحلیل محتوای معین به نتایج یکسانی برسند. منظم بودن، یعنی طراحی تجزیه و تحلیل به نحوی که کلیه منابع مربوط به پرسش‌ها یا فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گیرند و طبقه‌بندی به نحوی انجام پذیرد که تمام محتوای مربوط، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. کمی بودن به معنی تعیین انواع فراوانی گویه‌ها است. برای نمونه‌گیری از روش هدف‌دار استفاده شد. در برخی موارد، انتخاب مجموعه آماری کوچک ممکن است منجر به کسب اطلاعات بیشتری شود [۱۴].

تحلیل محتوا مناسب‌ترین روش برای انجام این پژوهش است. به این منظور، ۶۰ پیام به صورت هدف‌دار انتخاب و سپس بیش از ۱۳ گویه طبق جدول ۴ برای پاسخ با تعیین فراوانی و درصد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از سوی دیگر، پیام‌های مهم رسانه‌ها و شبکه‌های خبری از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۲۰ مارس ۲۰۰۳ به ترتیب تاریخ انتشار آنها تنظیم شد. با استفاده از تحلیل روند، تاثیر کارکرد عملیات روانی بر مبنای انتخاب واژگان در توالی زمانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۵) میزان حمایت مردم آمریکا از حمله به عراق

سال	شبکه یا مجله خبری	موافقین
بعد از سرنگونی طالبان	ویکی پدیا	۳۱٪
۱۶ و ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲	C.N.N	۷۰٪
روز حمله (۲۰ مارس ۲۰۰۳)	C.N.N	۷۵٪

جدول ۶) باور مردم آمریکا به حضور صدام در ۱۱ سپتامبر

سال	شبکه خبری (موضوع)	موافق
۳ نوامبر ۲۰۰۳	تایمز (همکاری صدام با القاعده)	۷۵٪
۳ نوامبر ۲۰۰۳	تایمز (مشارکت در ۱۱ سپتامبر)	۷۱٪

بحث

امروزه نمی‌توان کشوری را مورد تهاجم و تجاوز قرار داد مگر اینکه با متقاعدسازی بتوان به اهداف راهبردی عملیات روانی دست یافت. ایالات متحده، براساس تجربه جنگ ویتنام، برای تهاجم به کشور عراق، نیاز مبرم به زمینه‌های مساعد گوناگون داخلی و خارجی داشت.

بر اساس پیام‌های سال ۲۰۰۱، جنگ پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یعنی روزی که آمریکا مخرب‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اقدام تروریستی را تجربه کرد، وارد مرحله آماده‌سازی شد. این حادثه با موجی از خشم و میهن‌پرستی همراه شد و رئیس‌جمهور ایالات متحده از فرصت پیش‌آمده برای حمایت اذهان عمومی از جنگ برون‌مرزی استفاده کرد. اصل مقابله با تروریسم، زمینه‌ای برای دولت وی فراهم آورد تا به هدف خود دست یابد. اولین قربانیان آن طالبان و القاعده بودند و هم‌زمان با آن عراق، ایران و کره شمالی را به عنوان سه محور شرارت معرفی کرد [۱۵]. پس از سرنگونی طالبان، در اولین نظرسنجی ویکی‌پدیا ۳۱٪ مردم ایالات متحده خواهان جنگ علیه عراق شدند. جونز (Jones) بیان می‌کند که "عملیات متقاعدسازی به تلاش بیش‌تری جهت آماده کردن افکار عمومی برای سرنگونی صدام نیاز دارد و در صورتی که صدام بر سر کار باقی بماند، احتمال وقوع حوادثی مشابه ۱۱ سپتامبر وجود دارد" [۱۶]. در آوریل ۲۰۰۱، جان نگرپوتته در شورای امنیت اعلام کرد که "ما برای دفاع از خود علیه سازمان‌های تروریستی یا دولت‌های حامی آنها عملیات نظامی انجام خواهیم داد". در ماه نوامبر ۲۰۰۱، به دلیل اهمیت نقش عملیات روانی، تیمی برجسته به مسئولیت هنری کسینجر برای کمک به سازماندهی و انسجام عملیات روانی به‌منظور متقاعدسازی افکار عمومی له جنگ عراق شکل گرفت. در اواخر سال ۲۰۰۱ به دلیل اشتباه استراتژیک صدام، بن‌لادن در یک نظرسنجی به‌عنوان محبوب‌ترین فرد در عراق شناخته شد. پخش این خبر توسط شبکه‌های خبری غرب و ایالات متحده به‌شدت احساسات افکار عمومی، به‌ویژه مردم ایالات متحده را تحت تاثیر قرار داد [۱۷].

جدول ۲) فنون عملیات روانی

فنون و تکنیک	فراوانی	درصد
انسانیت زدایی از صدام حسین	۲۳۶	۱۴
القای ترس (سلاح هسته‌ای و تروریسم)	۳۱۶	۱۸
فریب	۱۱۷	۷
روشن قطره چکانی	۱۶۱	۹
روشن زمان بندی	۹۸	۶
کشف حقایق	۲۱۲	۱۲
تهییج و تشجیع	۳۱۵	۱۸
روشن دسته واکن	۲۱۰	۱۲
نشر شایعه	۳۵	۲
در دام انداختن	۴۳	۲
جمع	۱۷۴۳	۱۰۰

جدول ۳) تاثیر عوامل فروپاشی روحیه ارتش عراق به درصد

عوامل	مطالعه اول	مطالعه دوم	مطالعه سوم	کل	رتبه
بمباران	۳۱	۳۵	۱۶	۳۱	اول
عملیات روانی	۸	۲۴	۳۳	۸	دوم
تهاجم زمینی	۱۷	۱۹	۱۸	۸	سوم
غافلگیری	۱۳	۱۳	۱۱	۱۳	چهارم
تحریم طولانی	۱۱	۹	۱۲	۱۱	پنجم

جدول ۴) کلیدواژه پیامها

کلید واژه	فراوانی	درصد
تروریسم	۱۷	۱۱.۳
ائتلاف و همکاری	۶	۳.۹
القاعده، طالبان، بن لادن و صدام	۱۵	۹.۹
دولت‌های حامی و رژیم‌های پناهنده تروریسم	۱۷	۱۱.۳
وجود و امکان کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی	۲۳	۱۵.۳
دست‌یابی به سلاح هسته‌ای و موشک الصمود ۲	۱۴	۹.۳
امنیت منطقه، جهان و آمریکا بدون صدام	۷	۴.۷
ترس، نگرانی و وحشت حکومت‌ها و ملت‌ها از صدام	۱۰	۶.۷
نیاز به مجوز حمله از سازمان ملل نیست	۳	۱.۹
جنگ ضروری است	۱۰	۶.۷
اهداف (سلاح کشتار جمعی، دموکراسی، دولت مستقل، عدم تجزیه، امنیت، جهان و آمریکا)	۱۱	۷.۳
فریب‌کاری صدام	۸	۵.۲
جلوگیری از ورود و اخراج بازرسان	۱۰	۶.۶
جمع	۱۵۱	۱۰۰

مشورت می‌کنیم و برای حمله نیاز به مجوز سازمان ملل نداریم." در ۲ سپتامبر ۲۰۰۲ کوبیت اعلام کرد که "تسهیلات لازم جهت حمله را در اختیار ایالات متحده قرار می‌دهد زیرا از نظر کوبیت، جنگ علیه عراق تمام نشده است." در ۲ سپتامبر ۲۰۰۲ رامسفلد با استفاده از اطلاعات محرمانه اعلام کرد که "عراق در آستانه دست‌یابی به بمب اتم است." در ۴ سپتامبر ۲۰۰۲ چنی اعلام کرد که "صدام حسین بدترین سلاح‌ها را در اختیار داشته و قصد استفاده از آنها را دارد." جورج بوش در همین روز اعلام کرد که "پس از اخراج بازرسان، آژانس اعلام کرد که عراق تا شش ماه آینده به بمب اتمی دست می‌یابد ... چه مدرکی مهم‌تر از این؟" در ۴ دسامبر ۲۰۰۲ نخست‌وزیر دانمارک اعلام کرد که "اگر واقعا هیچ شکی در تهدید صدام وجود ندارد، حمله ضروری است" [۱۸]. در ۷ دسامبر ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرد که "اجازه نخواهیم داد کشوری مثل عراق با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی آینده ما و جهان را تهدید کند." در ۹ دسامبر ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) شیراک رئیس‌جمهور فرانسه تصمیمی دو مرحله‌ای را اعلام کرد: "سه هفته به عراق فرصت می‌دهیم تا بازرسان کارشان را تمام کنند، اگر عراق تسلیم نشد برای حمله جلسه‌ای برگزار خواهد شد." در زمینه متقاعدسازی، گزارشی از سرویس اطلاعاتی آلمان در دسامبر ۲۰۰۱ و موسسه مطالعات استراتژیک در ۹ دسامبر ۲۰۰۲ مبنی بر ساخت بمب اتمی تا سال ۲۰۰۵ اعلام شد (نقل از بی‌بی‌سی). در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرد که "هدف ما در عراق تشکیل دولت مستقلی است که از طریق دموکراسی روی کار آمده باشد؛ چرا که مردم خاورمیانه و جهان از امنیت بیش‌تری برخوردار خواهند شد [۱۹]. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۲ ناگهان اتحادیه عرب به خاطر حمله آمریکا از هم پاشید و عربستان اعلام کرد که در صورت موافقت سازمان ملل با حمله به عراق، امکان استفاده از برخی پایگاه‌های نظامی کشورش داده خواهد شد. در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرد که "ایالات متحده منتظر دست‌یابی به سلاح هسته‌ای عاملان کشتارهای تروریستی در جهان نخواهد ماند." در ۲۸ سپتامبر، آسوشیتدپرس جزئیات پیشنهاد ایالات متحده در مورد معرفی سلاح‌های کشتار جمعی را اعلام نمود. در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲ پاول (Powel) و رایس (Rise) اعلام کردند که "هدف اصلی ایالات متحده فقط انهدام سلاح‌های کشتار جمعی عراق است و نه چیز دیگر" [۲۰]. در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۲ (نقل از بی‌بی‌سی) آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام کرد که "بر اساس اطلاعات موثق، عراق در حال تهیه بمب هسته‌ای است و صدام ممکن است از چنین سلاح‌هایی علیه ایالات متحده و جهان استفاده کند؛ همان‌طور که علیه ایران و حلبچه از سلاح شیمیایی استفاده کرد. در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ (نقل از آسیا تایمز) تایمز اعلام کرد که "بر اساس نظرسنجی، سه‌چهارم مردم ایالات متحده،

مطابق پیام‌های سال ۲۰۰۲، در اوایل این سال جورج بوش (George Bush) رئیس‌جمهور ایالات متحده دو هدف عمده را مطرح کرد؛ توقف برپایی اردوگاه‌های تروریستی و برهم‌زدن برنامه گروه‌های تروریستی. این خبر بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های خبری غرب و آمریکا داشت. رئیس‌جمهور ایالات متحده در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۲ (نقل از سی‌ان‌ان) خطاب به کنگره، از لزوم جلوگیری از فعالیت تروریست‌ها و رژیم‌هایی که به دنبال دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند خبر داد و اعلام کرد که در غیر این صورت امنیت ایالات متحده و جهان به مخاطره می‌افتد. در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲، رئیس‌جمهور ایالات متحده به سازمان ملل اعلام کرد که "رژیم صدام همیشه در حال فریب‌کاری است؛ بازرسان را می‌پذیرد ولی همکاری نمی‌کند." تونی بلر (Tony Blare) نخست‌وزیر انگلستان نیز بلافاصله اعلام کرد که "بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای قبل از اخراج از عراق (سه سال قبل از آن تاریخ)، سلاح‌های بی‌شماری کشف کرده بودند." وی اضافه کرد که "آنها (بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای) درحالی که نزدیک به کشف سلاح هسته‌ای بودند، اخراج شدند ... القاعده و رژیم‌هایی که آن‌ها را پناه می‌دهند باید نابود شوند" [۱۱]. جورج تنت (George Tennet) در ۷ آوریل ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) در سنا اعلام کرد که "عراق در حال گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است." رامسفلد (Ramsfeld) در اول ژوئن ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) گفت که "برای شروع حمله علیه تروریست‌ها یا کشورهای حامی آن‌ها نیازی به دست‌یابی به مدارک قطعی سلاح‌های کشتار جمعی نیست و کافی است خیال کنیم در خطریم." در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) چنی (Cheney) اعلام کرد که "مدارک به دست آمده گویای این است که بن‌لادن، القاعده و دولت صدام به شدت به دنبال دست‌یابی به سلاح هستند." در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) نشانه‌گیری‌های دقیق سلاح موجب شادی مقامات آمریکایی گردید. در ۶ جولای ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) سازمان ملل اعلام کرد که "عراق با بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به آن کشور موافق نیست." در ۱۳ و ۱۴ جولای ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) پل‌فو، توافق مسئولان ترکیه در مورد استفاده از برخی پایگاه‌های نظامی آن کشور علیه عراق را تأیید کرد. در ۱۵ جولای ۲۰۰۲ (نقل از یواس‌ای تودی) "حمزه" افسر پناهنده عراقی، اعلام کرد که "با توجه به ده تن اورانیوم مخفی شده، عراق قادر است ۳ بمب اتمی تا سال ۲۰۰۵ بسازد." در ۱۶ و ۱۷ جولای ۲۰۰۲ (نقل از نیویورک تایمز) نتایج یک نظرسنجی اعلام شد که طبق آن مردم ایالات متحده خواهان حمله به عراق بودند. در همین تاریخ، سناتور شبلی اعلام کرد که "عراق در حال تهیه سلاح‌های کشتار جمعی است و ما غافلیم." در روز ۱۰ اوت ۲۰۰۲ جورج بوش اعلام کرد که "ما با کنگره و دوستان مان

به همکاری صدام با القاعده باور دارند و ۷۱٪ رهبر عراق را شریک وقایع ۱۱ سپتامبر می‌دانند. در ۸ نوامبر ۲۰۰۲ (نقل از واشنگتن پست) شورای امنیت و حتی سوریه تحت فشار ایالات متحده و انگلستان به صدور قطع‌نامه ۱۴۴۱ رای مثبت دادند. در ۳ دسامبر ۲۰۰۲ (نقل از آسیا تایمز) روزنامه وال‌استریت، عراق را متهم به تولید سیاه‌زخم نمود و تلاش کرد تا افکار عمومی داخلی و خارجی را علیه عراق ترغیب نماید. پس از گزارش دوازده‌هزار صفحه‌ای عراق، آمریکا اعلام کرد که تمام آنها دروغ محض است. در پایان دسامبر ۲۰۰۲ (نقل از بی‌بی‌سی) رییس گروه بازرسان سازمان ملل اعلام کرد که "در گزارش عراق مطلب جدیدی وجود ندارد و به بیش‌تر پرسش‌ها پاسخ داده نشده است".

در ابتدای ژانویه ۲۰۰۳، سی‌ان‌ان نتایج یک نظرسنجی را اعلام کرد که "بیش از ۶۰٪ مردم ایالات متحده گزارش عراق را دروغ می‌دانند". در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۳ (نقل از بی‌بی‌سی) شبکه‌های خبری ایالات متحده و انگلستان اعلام کردند که "از خانه دانشمندی عراقی اسنادی به دست آمده که گویای دستیابی عراق به سلاح اتمی است". چند روز پیش از گزارش بلیکس، با تبلیغات گسترده اعلام شد که تعداد موشک‌های "السمود ۲" بیش‌تر از آن چیزی است که عراق اعلام کرده است. در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳ (نقل از بی‌بی‌سی) رئیس‌جمهور ایالات متحده در گزارش سالانه خود اعلام کرد که "امروز وجود رژیم‌های یاعی، ایالات متحده آمریکا و جهان را تهدید می‌کند". در ۱۴ فوریه ۲۰۰۳ (نقل از سی‌ان‌ان)، تصاویر پخش شده از ریچارد باتلر هم‌زمان با اقدامات نظامی در عراق و مصاحبه‌های سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز و مناظره با "تیم لباس‌تین" مجری بی‌بی‌سی، همه به منظور متقاعدسازی افکار عمومی، موفقیت شایانی کسب کردند. اول مارس ۲۰۰۳ (نقل از سی‌ان‌ان)، رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرد که "تاکنون ده‌ها کشور از قطع‌نامه حمایت کرده‌اند". در ۲۵ و ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ (نقل از بی‌بی‌سی)، رایس (Rise) خطر تسلیحات جمعی عراق و فریب افکار عمومی توسط صدام را خاطر نشان کرد. وی عزم ایالات متحده آمریکا را برای حمله حتی بدون رای شورای امنیت جدی دانست. در حقیقت، رایس (Rise) هدف حمله آمریکا به عراق را تامین صلح جهانی و نجات مردم عراق ذکر نمود (نقل از سی‌ان‌ان). در اوایل پیش‌نویس قطع‌نامه دوم، به تاریخ جنایات گذشته عراق اشاره (نقل از رویترز؛ ۲۵ فوریه ۲۰۰۳) و بر فجایع صدام علیه مردم حلبچه، ایران، کویت، وجود تسلیحات کشتار جمعی و تمرد صدام از فرامین سازمان ملل تاکید شد (نقل از فاکس‌نیوز؛ ۲۹ فوریه ۲۰۰۳). از سوی دیگر، پاول بر وحدت و عدم تجزیه عراق تصریح کرد و با ذکر مواردی از جمله کوزوو، کویت و افغانستان، ایالات متحده آمریکا را منادی صلح و امنیت معرفی و تصریح کرد که این جنگ، علیه مسلمانان و مذاهب دیگر نیست (نقل از سی‌ان‌ان؛ فوریه ۲۰۰۳). یک روز پس از ارائه پیش‌نویس

قطع‌نامه دوم در ۲۶ فوریه ۲۰۰۳، رامسفلد از حمله به عراق سخن گفت و با یادآوری تجربه افغانستان، از ائتلافی جهانی در حمله به عراق خبر داد و بر وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق تاکید کرد (نقل از آسوشیتدپرس). پس از ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه سوم در ۲ مارس ۲۰۰۳ (نقل از رویترز)، جورج بوش شورای امنیت را مخاطب قرار داد و خواستار خلع سلاح کشتار جمعی عراق شد و تاکید کرد که هدف آمریکا جنگ نیست بلکه خواهان صلح است. وی با اشاره به عدم اجرای قطع‌نامه‌ها و عدم آزادی دانشمندان عراق در مصاحبه با بازرسان، حجت را بر صدام تمام شده دانست و به شهروندان ایالات متحده اطمینان داد که طی جنگ خطری امنیت آنها را تهدید نخواهد کرد (نقل از فاکس‌نیوز). پاول در ۶ مارس (نقل از سی‌ان‌ان) و ۹ مارس ۲۰۰۳ (نقل از رویترز) اعلام کرد که "صدام موشک‌های (السمود ۲) را منهدم نخواهد کرد" و از انتقال سلاح‌های کشتار جمعی عراق به مرز سوریه و ترکیه خبر داد. همچنین به واسطه انتشار گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا (نقل از آسوشیتدپرس)، پاول از نقض آزادی مذهب در شش کشور از جمله عراق خبر داد و اعلام کرد که "علی‌رغم این‌که جنگ به ضرر مردم است، اما برخی مواقع برای حفظ امنیت ضروری است". رامسفلد در ۴ مارس ۲۰۰۳ (نقل از سی‌ان‌ان) بر ساخت تسلیحات کشتار جمعی و پنهان‌کاری و فریب‌کاری صدام تاکید کرد و از تشکیل ائتلافی علیه عراق خبر داد. در ۳ مارس ۲۰۰۳ (نقل از رویترز) فلیشر، از تعجب دولت ایالات متحده نسبت به اقدام پارلمانی ترکیه خبر داد و گفت: "صدام در حال فریب‌دادن بازرسان است و به عدم خلع سلاح خود ادامه می‌دهد". در ۱۵ مارس ۲۰۰۳ (به نقل از فاکس‌نیوز)، رئیس‌جمهور ایالات متحده از قطعیت حمله و آزادی مردم در بوسنی، رواندا و کوزوو سخن گفت. وی در سخنرانی دیگری (به نقل از صدای آمریکا) با اشاره به سال‌روز کشتار مردم حلبچه تاکید کرد که حمله به عراق درس مناسبی برای صدام است و شهروندان آمریکایی را به پیروزی در این جنگ مطمئن ساخت. هفته چهارم پس از ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه دوم علیه عراق، یعنی دو روز پیش از حمله، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای ترک بغداد به صدام اولتیماتوم ۴۸ ساعته داد (نقل از سی‌ان‌ان) و در لحظه شروع حمله، در نطقی تلویزیونی از آغاز حمله خبر داد و دلایل حمله را برای جهانیان تشریح کرد (نقل از فاکس‌نیوز). وی در سخنرانی دیگر خود از ملت عراق به احترام یاد کرد و خطاب به آنها گفت: "ما برای آزادی شما می‌آییم". وی در روزهای اولیه جنگ (نقل از سی‌ان‌ان) با سخت خواندن آن خطاب به شهروندان ایالات متحده آمریکا گفت که "این آغاز جنگی سخت است".

طراحی و سازماندهی موفق کلیدواژه‌های القا و متقاعدسازی در حوزه عملیات روانی، با نظامی هماهنگ و منسجم، رفتار دولت مردان، شبکه‌های خبری، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، سازمان ملل

۶- سرنگونی صدام به‌عنوان بهترین هدف، برای آزادی مردم و دموکراسی در عراق بیان شد که این بهترین امکان برای شروع جنگ را به همراه داشت؛ چرا که در آن شرایط، اکثریت مردم عراق و حتی نظامیان غیربعثی و نیز کشورهای منطقه و جهان، به‌دلیل جنایات صدام خواهان جنگ بودند.

نتیجه گیری

به‌منظور بهره‌گیری از مطالب این مقاله، توصیه می‌شود با توجه به مشخص شدن اهداف راهبردی در حوزه متقاعدسازی برای آغاز جنگ و پیروزی در آن، نشست‌ها در سطح مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران برگزار شود و با تهیه الگوی راهبردی، اهداف دشمن در این حوزه خنثی شده و رجحان ایجاد شود.

منابع

- ۱- بیابان نورد علی رضا. بررسی تطبیقی عملیات روانی ایالات متحده در دو کشور افغانستان و عراق. فصلنامه علمی و پژوهشی عملیات روانی. ۱۳۸۴؛ (۱۱)
- ۲- اسکناسی آکساندر. نقش عملیات روانی در مأموریت‌های نظامی: مقالات تبلیغات و جنگ روانی. حسینی حسین، مترجم. تهران: دانشگاه امام حسین (ع)؛ ۱۳۷۷. ص. ۱۸۰.
- 3- Jane's Defense weekly, The World's new and analysis. Jane's Defense weekly. 2003;39(11):3.
- ۴- مقدم محمد حسین، جمالی جواد. نقش قدرت نرم در پیشبرد استراتژیهای نظامی. فصلنامه عملیات روانی. ۱۳۸۲؛ (۲):۶۹.
- 5- Antony H. cordesman, Lessons relating to political, diplomatically and psycho local warfare, May. Center for strategic and Iraq – instant lesson; 2003 May. p. 212.
- ۶- آرونسون الیوت. روانشناسی اجتماعی. شکرشکن حسین، مترجم. تهران: رشد؛ ۱۳۸۴.
- 7- Petty RE, Cacciopo JT. The elaboration likelihood model of persuasion. In: Berkowitz L, editor. Advance in Experimental Social Psychology. Hills dole, NJ: Erlbaum; 1986. p. 123-205.
- 8- Wittkop J R. public faces of internationalism opinion and American a Foreign policy. NC: duke university press; 1990.
- 9- Hinckley RH. public Attitudes toward key foreign policy events. journal of conflict Resolution. 1988;801-8.
- 10- Holsti O. public opinion and American Foreign Policy. MI: university of Michigan press; 1996.
- ۱۱- الیاسی محمد حسین. افکار عمومی آمریکا. فصلنامه علمی و پژوهشی عملیات روانی. ۱۳۸۲؛ (۲):۸-۷.
- 12- Roberts JV. et al. Public opinion. New York, Columbia University Press, 2002.
- 13- Bardes, B.A & Oldendick .R.W, Public opinion US: was worth Thomson learning . 2002
- ۱۴- علی دل‌آور، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. ۱۳۸۰. چاپ اول، تهران: رشد ص ۲۷۹ الی ۲۸۱

متحد، شورای امنیت و حتی رفتار صدام را در دو مسیر عمده مطرح‌شده در مقاله (مرکزی و پیرامونی) تغییر داد. همچنین ایالات متحده موفق شد به‌واسطه عملیات روانی، شیوه‌های منبع ارتباط، ماهیت ارتباط و از همه مهم‌تر ویژگی‌های مخاطبان را با اهداف عملیات روانی از پیش تعیین‌شده خود هماهنگ و همسو نمایند که نتایج زیر را دربر داشت:

۱- افکار عمومی ایالات‌متحده و جهان نسبت به جنگ متقاعد شد.

۲- صدام دارای سلاح‌های کشتارجمعی است که بدون تردید در مواقع ضروری آنها را به کار می‌برد.

۳- دستیابی به سلاح هسته‌ای و کاربرد حتمی آن توسط صدام.

۴- حضور صدام در عراق موجب ناامنی، ترس و دلهره برای دولت‌ها و ملت‌ها است.

۵- جنگ چه با مجوز و چه بدون مجوز سازمان ملل ضروری است؛ زیرا هدف طراحی‌شده خلع سلاح و انهدام سلاح‌های کشتارجمعی، آزادی، وحدت و دموکراسی در عراق و در نهایت محو تروریسم به‌منظور ایجاد امنیت در عراق، منطقه و جهان است.

نتایج دیگری که می‌توان از روند پیامها استنتاج کرد به شرح ذیل است:

۱- با توجه به مبانی مطرح شده نسبت به افکار عمومی مردم ایالات‌متحده، داده‌های جدول ۵ و ۶ بیانگر این است که عملیات روانی انجام‌گرفته در حوزه متقاعدسازی توانست طی فرآیندی زمانی حمایت بیشتر مردم از جنگ را جلب کند و همچنین به مردم بقبولاند که صدام با القاعده همکاری می‌کند و در نهایت اینکه صدام در ۱۱ سپتامبر دخالت مستقیم داشته است.

۲- فروپاشی اتحادیه عرب و همسو کردن کامل کشورهایمانند قطر، کویت، اردن و تا حدودی عربستان سعودی و ترکیه و متقاعد نمودن کشوری مثل سوریه به بی‌طرفی.

۳- همسو کردن برخی کشورهای اروپایی مانند دانمارک، انگلستان، فرانسه و روسیه که می‌توانستند در جلوگیری از جنگ نقش مهمی ایفا کنند.

۴- همسو کردن آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، سازمان ملل متحد و شورای امنیت که مصداق آن تصویب قطع‌نامه ۱۴۴۱ بود؛ در نهایت سکوت آنها به معنای مجوز شروع جنگ تلقی گردید.

۵- فریب صدام و حتی هدایت رفتار او طبق خواست ایالات متحده آمریکا که مصداق آن اخراج بازرسان یا معرفی بن‌لادن به عنوان محبوب‌ترین فرد در عراق بود.

- ۱۸- الیاسی، محمد حسین، فرایند تخریب روحیه ارتش عراق توسط امریکا. فصلنامه سیاست دفاعی. ۱۳۸۲:۴۲.
- 19- [Http/www.persian.usin FO. State, eov. 12.sep.2002](http://www.persian.usin.fo.state.gov)
- ۲۰- آرمین امینی. حمله آمریکا به عراق، تلاش برای اقناع افکار عمومی. فصلنامه عملیات روانی. ۱۳۸۲:۲۸:۳.

- 15- World today War on terrorism [www.psychological operations](http://www.psychologicaloperations.com), 2003.
- 16- Jones, F.B, Psyop and the war fighting cine. Joint forces quarterly, June 2003. p.58-63.
- ۱۷- آرمین امینی. رسانه ها و عملیات روانی. فصلنامه عملیات روانی. ۱۳۸۲:۶۶:۸.